

خاستگاه رغبت و اکراه در وجود انسان از منظر آیات و روایات

با تأکید بر دیدگاه آیت‌الله خامنه‌ای

محبوبه ستاریان¹

چکیده

ارزش‌ها، باورها، بینش‌ها و رفتارهای بیرونی انسان همان سبک زندگی او است که طبق فرمایش آیت‌الله خامنه‌ای یکی از ابعاد مهم پیشرفت با مفهوم اسلامی به شمار می‌رود. تصحیح و تقویت «رغبت» و «اکراه» از عوامل مهم در سبک زندگی است و اهمیت بسیاری در رشد انسان دارد. آدمی در طول تاریخ همواره با اختلاف‌نظرهایی درباره الزام به وجود مذهب مواجه بوده است و در زمینه دلایل وجود اکراه در مقابل رغبت به دین‌داری و ریشه‌یابی آن در ذات انسان خلأهای پژوهشی مشاهده می‌شود. دوگانگی میان اختیار انسان و محدودیت ناشی از داشتن مذهب، از مسائل چالش‌برانگیز است.

این مقاله پس از بررسی مفهوم رغبت و اکراه در آیات قرآن و احادیث، به تبیین جنبه‌های مجهول این ابهام پرداخته، عوامل تأثیرگذار در ذات انسان را تشریح و موضوع را تحلیل نموده و در نهایت راهکارهایی برای افزایش رغبت او در جهت پذیرش دین‌داری ارائه کرده است. بررسی این موضوع در سبک زندگی، برای روشن شدن راه سلوک و رسیدن به هدف والای انسانی بسیار راهگشا است؛ چراکه هدف انسان در بعد معنوی، همواره رستگاری و فلاح و نجات بوده است و حتی اگر به معنویت و رستگاری اعتقادی نباشد، پرداختن به ابعاد سبک زندگی، برای برخورداری از زندگی راحت، آرامش و امنیت روانی و اخلاقی اهمیت بسزایی دارد؛ بنابراین فواید احتمالی مطالعه این مسئله اساسی می‌تواند ایجاد وحدت و یگانگی و نجات از گمراهی عموم باشد و دغدغه‌های کنونی جامعه اسلامی درباره نفاق میان مسلمانان را برطرف سازد.

کلیدواژه‌ها: رغبت، اکراه، اختیار، انتخاب، اجبار، آزادی، اراده.

1. مقدمه و بیان مسئله

در طول تاریخ، مسائل و پرسش‌هایی موجب برخی سوءاستفاده‌ها و برداشت‌های نادرست، موضع‌گیری و عدم رغبت انسان‌ها به دین و مذهب شده است که عبارت‌اند از: انسانی که دارای

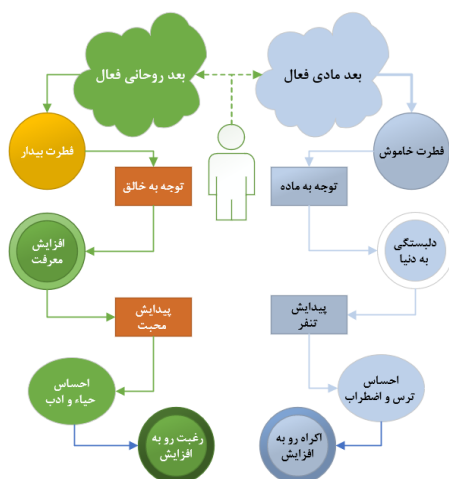
¹ کارشناس ارشد فناوری اطلاعات، محقق و مؤسس شرکت فناوری اطلاعات راین، طلبه مؤسسه آموزش عالی حضرت عبدالعظیم حسنی (علیه‌السلام). sattarianm@chmail.ir

قدرت اختیار است و می‌تواند انتخاب کند، چرا باید دین داشته باشد؟ هنگامی که در جایی قوانین و مقرراتی برقرار می‌شود، به این معنا است که افراد باید طبق آن قوانین و مقررات رفتار کنند و قدرت انتخاب ندارند و باید تسلیم و مطیع باشند؛ پس خالق که به انسان قدرت اختیار و انتخاب داده است، چطور ممکن است این اختیار را با وضع قوانین و مقررات الهی سلب کند؟ آیا قوانین و مقررات دین اسلام با قدرت اختیار انسان منافات دارد؟ در این صورت، امر به معروف و نهی از منکر چه جایگاهی دارد؟ یک انسان در راه سلوک چطور می‌تواند در اصلاح جامعه مؤثر باشد؟

طبق تحقیقات قربان‌پور لقمجانی (1399، ص 241) «سبک زندگی، تعیین‌کننده‌ی جهت‌گیری انسان به زندگی است که نخستین بار در روانشناسی، توسط آدلر مطرح شد. از نظر آدلر انسان موجودی اجتماعی است که مهمترین انگیزه‌اش غلبه بر حقارت و نیل به کمال در زندگی با تکیه بر اراده آزاد است.» همچنین دولت و ولی‌زاده (1402، ص 101) توضیح می‌دهند که: «انسان دارای امکانات شناختی است که از حواس، خیال، وهم و عقل سازمان می‌یابد. در کنار اینها ساختاری از جذب و دفع با درجات فراوان، در وجود او است که تمایلات او را شکل می‌دهد. مجموعه‌ی این ساختارها در قلب انسان، نوعی سلیقه و نظام ترجیحات ایجاد کرده که به مشیت ختم می‌شود که اگر ناشی از امیال باشد، فعلی مشترک با حیوانات صادر می‌شود و اگر منبعث از عقل یا نقل قطعی باشد، فعل انسانی متمایز از حیوانات محقق می‌شود.» وقتی اعمال انسان امروزی و شیوه شناختی او را در شکل دهی تمایلاتش مورد تحقیق و بررسی قرار می‌دهیم، متوجه می‌شویم که موضوع سبک زندگی انسان یعنی باورها و بینش‌های او به دلیل مواجهه با دنیای مدرن‌تبه کنونی تبدیل به یک مسئله اساسی شده است؛ چراکه انسان و رابطه‌اش با خدا هدف و ماموریت اصلی او از زندگی به حاشیه رفته و دچار انحرافات جدی شده است. انسان به حکم انسان بودنش با نور عقل خود باید هدف و ماموریت اصلی خودش در عالم خلقت را به خوبی تشخیص دهد و سپس طبق این ماموریت هویت او مشخص می‌شود و به زندگی او معنا می‌بخشد. همانطور که مقام معظم رهبری می‌فرمایند: «سبک زندگی کردن، رفتار اجتماعی، شیوه زیستن، اینها عبارت اخراج یکدیگر است و یک بعد مهم است» (جعفری، 1391، ص 193) و طبق نتیجه‌گیری شه‌گلی (1398، ص 254) «در فلسفه ملاصدرا عمل در شکل‌گیری هویت انسان اهمیت ویژه‌ای دارد و این مقوله با سعادت و هویت انسان پیوند خورده است.» خداوند انسان را صاحب اختیار و قدرت و اراده خلق کرده است؛ یعنی برعکس موجودات دیگر انسان قادر است در مسیر رشد و تکامل خودش مؤثر باشد. این مقاله به بررسی دو مولفه کلیدی "رغبت" و "اکراه" می‌پردازد که نقش بسزایی در شکل‌گیری شاکله وجودی انسان دارد و از عوامل مهم در سبک زندگی است و همچنین الگویی جدید پیشنهاد می‌دهد که پیروی از آن سبب تصحیح و تقویت بعد معنوی انسان می‌شود.

2. پیشینه و مبانی نظری

پس از تحقیق و بررسی پیرامون موضوع تحقیق در پژوهش‌های صورت گرفته، خلاء تحقیقاتی پیرامون خاستگاه دو مولفه کلیدی "رغبت" و "اکراه" و ریشه یابی آن در وجود انسان یافت شد. عبدی و همکاران (1394) الگویی برای تنظیم رغبت



بر اساس زهد اسلامی ارائه داده و «رغبت به دنیا را تابعی از رغبت به آخرت و زندگی دنیا را مقدمه زندگی آخرت و رغبت مستقل به دنیا را آسیب دانسته‌اند». پسندیده (1388) مولفه زهد در اخلاق اسلامی را مورد بررسی قرار داده است و «یکی از عوامل سلامت روان را "تنظیم زهد" دانسته و زهد را بی رغبتی به دنیا و دل بستگی نسبت به آخرت می‌داند و گفته است راهبرد تنظیم رغبت را "شناخت و یقین" تشکیل می‌دهد». اما با توجه به کاربرد دو مولفه "رغبت" و "اکراه" در قرآن و روایات، همچنین در بیانات مقام معظم رهبری پیرامون نقش عاطفه در پذیرش دین و نقش گرایش در دینداری و اینکه این مسئله یکی از مباحث بنیادی انسان است که امتداد اجتماعی مهمی دارد؛ در این مقاله این موضوع را مورد بررسی قرار می‌دهیم. از آنجا که «دگرگون کردن و متحول ساختن آدمی، بدون داشتن تصویر و توصیفی از او میسر نیست، از این رو در هر نظام تربیتی، توصیف انسان به منزله سنگ بنای آن است» (باقری، 1401، ص 15)؛ لذا لازم است ابتدا با نظر به آیات قرآن کریم و روایات معتبر نقل شده از معصومین (علیهم السلام) و همچنین منویات رهبری، توصیفی از فرایند ایجاد رغبت یا اکراه در وجود انسان طبق «نمودار 1» در جهت رسیدن به یک بینش اسلامی در این خصوص ارائه دهیم.

با تمرکز روی فطرت انسان حقایقی قابل دریافت است مثل اینکه انسان با شیوه ادراکی فطری پا به عرصه وجود می‌گذارد؛ یعنی تمام دانش بشریت زمینه فطری داشته و منشاء تمام علوم خداوند است. اگر انسان در شرایط مناسب رشد کند استعدادهای نهفته‌ی او شکوفا شده و خداجو می‌شود و فطرت خداجویی‌اش بیدار می‌شود. به عبارت دیگر، انسان دارای وحدت وجود است و به سبب آن، یک بعد او رو به عالم حقیقت و بعد دیگرش رو به عالم ماده است. به بیان واضح‌تر «انسان با سرمایه علم حضوری به ذات خویش و بینش شهودی به خالق خود و گرایش بندگی در ساحت فاطر خویش به دنیا آمده است، اگر آن علم حضوری و این بینش و گرایش در او مصون بماند، انسانیت او محفوظ است؛ والا با کور شدن آن حضور و این بینش و منحرف شدن اصل گرایش، علم شهودی او نیز به حقیقت خویش به جهل مبدل می‌شود و از کمال‌خواهی که ذاتی اوست هبوط می‌کند» (قرمباغی، جعفری، 1400، ص 68)؛ در نتیجه انسان با بعد معنوی خود قادر است با مبدأ خود ارتباط برقرار کند و این همان مقام روحانی انسان است که به دلیل تعلق به ماده، گرفتار نفس سرکش شده است و امور دنیوی چشم و گوش دل او را بسته و بر قلب او قفل زده‌اند و اجازه نمی‌دهند ندای حقانی «أَلَسْتُ بِرَبِّكُمْ» را به بشنود و با قلبش پاسخ دهد: «بَلَى!» (اعراف/172). دین در حقیقت هدایتی است که از نور قلبی ساطع می‌شود و لازمه آن فطرت پاک انسانی و مستلزم ایمان یقینی است. در آیه «يَا أَيُّهَا النَّاسُ اعْبُدُوا رَبَّكُمُ الَّذِي خَلَقَكُمْ وَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِكُمْ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ» (بقره/۲۱) «نیز دو نکته در این خصوص نهفته است: یکی دعوت مردم به عبودیت ذات مقدس پروردگار است و دیگری در "يَا أَيُّهَا النَّاسُ" که مخاطب آیه "ناس" است، یعنی اشاره دارد به يك چیز مشترکی بین همه انسان‌ها که آن فطرت مشترك انسانی است. در اینجا قشرها و نژادها و ملیت‌ها و خون‌ها نیستند که مخاطب قرار می‌گیرند، بلکه این انسانیت است که به‌طور عام مخاطب قرار می‌گیرد» (آیت‌الله‌العظمی خامنه‌ای، بیانات، ج 14، ص 6).

و اما در خصوص اختیار انسان با نظر به آیات و روایات به حقایقی دست یافتیم از قبیل اینکه تمام ابعاد عالم، هر یک به نوعی، در افعال انسان دخالت دارند و محرک او هستند و بدون این محرک‌ها اوضاع عالم محقق نمی‌شود؛ اما دخالت تمامی این عوامل در عالم وجود به قدری است

که محرک و مشوق انسان می‌شوند و راه خوب یا بد را برای او روشن می‌کنند و در او میل ایجاد می‌کنند. به همین دلیل پیدایش میل تا حدودی از اختیار بشر خارج است؛ اما هرکس با مراجعه به وجدان خود می‌فهمد که اگرچه تمام شرایط عمل خوب یا بد مهیا باشد و شخص با کمال میل به آن عمل رغبت داشته باشد و هیچ مانع خارجی هم جلوگیری او نباشد؛ اما اگر به اختیار خود اراده نکند، آن عمل انجام نخواهد شد و به همین دلیل است که انسان را مختار می‌دانند و مختار بودن یکی از خصوصیات و والای انسانی به شمار می‌آید. در مجموع، طبق مستندات قرآن و سخن معصومین: «**لا جبر و لا تفویض بل امر بین الامرین**» (اصول کافی، ج ۱، صفحه ۱۶۰) و «چون محور عالم وجود و محور اختیار در این عالم کون عبارت است از انسان و آن هم بدون اختیار معنی ندارد؛ پس باید اختیار و آزادی داشته باشد. البته این اختیار، غیر از اختیار "جبر و اختیار" است. بحث اختیاری که در جبر و اختیار می‌کنیم، این است که انسان "توانایی انتخاب" دارد، توانایی ذاتی و طبیعی دارد» (آیت‌الله‌العظمی خامنه‌ای، بیانات، ج ۳۴، ص ۴۸). حال این انسان که دارای فطرت خداجو است و با قدرت اختیار خود هر لحظه در حال گزینش است که با بعد روحانی خود زندگی کند یا با بعد مادی و برای این انتخاب نیاز به حضور، توجه و تمرکز دارد، در نتیجه نیازمند الگوی است که توجه او را از لذت و محنت حال، به لذت متناهی و نامتناهی تغییر دهد؛ به عبارت روشن‌تر، باید انسان توجیه شود که هر لحظه با انتخابی هوشمندانه و تدبیر و آینده‌نگری، به جای لذتی کوتاه و زودگذر، لذتی را در نظر بگیرد که در تمام سرنوشت او تأثیر بگذارد و متناهی نباشد؛ «**وَتَوَكَّلْ عَلَىٰ آلَهِ لَا يَمُوتُ**» (فرقان/۵۸) و بر آن زنده‌ای که هرگز نمی‌میرد توکل کند.

انسان برای این انتخاب هوشمندانه نیاز به معرفت دارد، یعنی شناخت جهانی که در آن زیست می‌کند و دریافت علوم از طریق سه منبع «حس، عقل و قلب» «انسان در سیر معرفت خود می‌تواند در هر نشیبی هست به فراز برسد به سه شرط: ۱) بیرون آمدن از پوسته خودی و خودبینی؛ ۲) رو به سوی بالا داشتن و عدم توقف در ظاهرگرایی، یعنی معرفت به اینکه آنچه می‌داند ظاهر است و پوسته و اینکه در بطن آن مغزی وجود دارد، بالا و بالاتر هم دارد، باطن دارد؛ ۳) هم‌نشین شدن با انسان کامل و مظهر صفات خدا، یعنی نشان عالم لاهوت دین و پیروی از ایشان» (نبیان، ۱۳۸۹، ص ۱۴۹). «همه انسان‌ها به دنبال کمال هستند، اما این حالت در جوانان بسیار بالاتر است، وقتی فردی در پی کمال باشد، معمولاً برای تکوین شخصیت خود به دنبال الگو می‌گردد، دنبال افرادی که آن مسیر را طی کرده‌اند، این مسیر می‌تواند مادی یا معنوی باشد. امروزه در غرب با توجه به اینکه مسیر تکامل افراد را عوض کرده‌اند، جوانان گرایش به کمالات مادی و دنیوی دارند و در نتیجه الگوپذیری آنان نیز بالطبع از افرادی است که در مسائل مادی و دنیوی مراتبی را طی کرده‌اند. اگرچه این نوع کمال‌جویی مطلوب نیست، ولی باید توجه داشت که اگر این الگوپذیری در جوانان به سمت کمال مطلوب و معنوی گرایش پیدا نکند به سمت مسائل دنیوی متمایل می‌شود» (آیت‌الله‌العظمی خامنه‌ای، برای حقیقت، ص ۳۵). این واقعیت سبب می‌شود که الگوی اکراه و رغبت انسان تغییر کند و از رغبت به دنیا و اکراه به آخرت، به رغبت به آخرت و اکراه به دنیا متمایل شود و این مهم، جز از راه شناخت و یقین به دست نمی‌آید. در نتیجه یک انسان کمال طلب برای شناخت دنیا و آخرت، معیار نامتناهی بودن را در نظر می‌گیرد نه لذتی زودگذر و فناپذیر، این مسئله به قدری حائز اهمیت است که می‌توان گفت «بیشترین موضوعی که در روایات مورد توجه قرار گرفته، اشاره به فانی بودن دنیا و

نامتناهی بودن آخرت است.» (عبدی، پسندیده، غروی، 1393، ص 105) و اساساً اگر انسان با تشخیص قوه عقل برای دلبستگی آنچه همیشگی است را انتخاب کند، هرگز دچار دلهره و بحران نخواهد شد. لذا «از مؤمنین و مسلمین و موحدین خواسته‌اند که با تکیه بر تفکر و تدبیر و تعقل پیش بروند. واقعاً هم عقل و تفکر می‌تواند انسان را پیش ببرد. البته در مراحل مختلف، عقل به نور وحی و نور معرفت و آموزش‌های اولیای خدا، تجهیز و تغذیه می‌شود؛ لیکن بالاخره آنچه پیش می‌رود، عقل است. بدون عقل نمی‌شود هیچ جا رفت» (آیت‌الله‌العظمی خامنه‌ای، بیانات، ج 12، ص 9). و اما در مسیر شناخت و کسب معرفت، وقتی انسان کشف می‌کند که محدودی است که نامحدود را بیان می‌کند و درواقع یک نامحدود کوچک‌شده است، آنگاه در وجود او محبت نسبت به خالق هستی ایجاد می‌شود؛ انسان هرچه به مقام روحانی خودش پی ببرد، عشق، رهایی، زیبایی و گسترده‌گی را بیشتر احساس می‌کند. جریان محبت از درون هر پدیده می‌جهد و پیرامون او را می‌سازد؛ این جریان، جریانی رشددهنده است و برای انسان غیرممکن است که در وجودش نسبت به چیزی محبت پیدا کند؛ مگر اینکه نسبت به آن معرفت کسب کند. «محبت به انواع مختلفی تقسیم می‌شود؛ اکثریت اقسام محبت، ناخودآگاه، فطری و طبیعی است و به اختیار آدمی نیست. احتیاج به کسب و تحصیل ندارد و اگر کسی در این موارد در وجودش احساس محبت نمی‌کند، فطرتش معیوب و جبلت او فاسد است!» (نراقی، 1385، ص. 638-641). هرکس خدای متعال را بشناسد، همه موجودات را به او نسبت می‌دهد و اگر بتواند رابطه خاص بین خدا و مخلوقات را تشخیص دهد، در وجود خود نسبت به همه موجودات محبت احساس می‌کند و به جهت محبت خاصی که در وجودش نسبت به خالق هستی دارد، در آفرینش محبت در هستی شرکت می‌کند و علامت محبت دوام نشاط است. عملی که با محبت باشد، سستی به آن راه ندارد؛ بی‌رغبتی سستی می‌آورد. محب خدا از طاعت خسته نمی‌شود؛ تلاش برای کسب رضایت معشوق برایش سنگین نیست؛ از خدمت با قلبش لذت می‌برد؛ اگرچه برای بدنش مشقت داشته باشد، آن را می‌پذیرد؛ چون قلبش از خدمت لذت می‌برد. اگر کسی محبوبش برایش دوست‌داشتنی‌تر باشد، کسالت در خدمت را ترک می‌کند و خودبه‌خود سستی از وجودش می‌رود و خودش را برای محبوبش خرج می‌کند. «طبق حدیثی از امام صادق 7 معرفت وقتی کامل می‌شود که انسان محبت پیدا می‌کند. اینجاست که معلوم می‌شود سیر انحراف بیشتر مردم دنیا از التزام به دین و عدم اهتمام به عمل، ناشستن محبت است! محبت و علاقه ایجاد رغبت می‌کند» (حسن‌زاده آملی، 1392، ص. 290) و «دلی که گنجینه محبت الهی باشد، خیلی باارزش و ذی‌قیمت است. دلی که جای محبت خداست، به گناه کمتر میل می‌کند یا میل نمی‌کند؛ به کار خیر متمایل می‌شود. این محبت را باید ایجاد کرد. ایجاد این محبت، با ذکر، با توجه، با اخلاص، با تضرع حاصل می‌شود» (آیت‌الله‌العظمی خامنه‌ای، بیانات، ج 33، ص 39). هنگامی که این عشق و محبت به خالق هستی در قلب انسان حاصل شد؛ او نسبت به مالک حقیقی خود در وجودش احساس شرم و حیا می‌کند زیرا با قدرت عقل و تفکر متوجه می‌شود که او برای امانت‌داری انتخاب شده است و باید مالی را به مالک حقیقیش برگرداند پس می‌توان گفت حیا و ایمان به یکدیگر وابسته هستند؛ طبق آیات قرآن حیا یکی از صفات نورانی نفس است که می‌توان با تلاش و پشتکار آن را کامل‌تر کرد. در نهایت زمینه حیا با نیروی خوف و حزن، از شناخت پروردگار در انسان ایجاد می‌شود که باعث اکراه از اعمال ناپسند و زمینه جلومگر شدن اسماء الهی در قلب انسان می‌شود و به‌مرور شدت می‌گیرد. «تا جایی که نور خشیت، خوف و اضطراب در مقابل جلال و جبروت حق، در دل او برقرار می‌شود و او را به خود مشغول و از

خلاصه «لَا إِكْرَاهَ فِي الدِّينِ» این منظور را می‌رساند که رغبت به دین، ایمان به وحدانیت حق تعالی، نبوت، معاد و باقی اصول، اجباری نیست؛ هر انسانی باید دین را از روی اختیار و آگاهی بپذیرد. مسئله اینجاست که کرم و لطف خداوند اقتضا می‌کند، راه هدایت و سعادت بشر را از طریق عقل و تبلیغ پیامبران به آنان نشان دهد تا از این طریق از طغیان و سرکشی نفس جلوگیری شود و راه رسیدن به نهایت سعادت بشری واضح شود و پس از آن، هرکس بخواهد با رغبت طریق هدایت را پیش گیرد تا به مقصود برسد.

بنابراین، با توجه به مطالب پیش‌گفته، به این نتیجه می‌رسیم که برای افزایش رغبت انسان‌ها به دین‌داری و محقق شدن برنامه متحول‌سازی و اصلاح جامعه اسلامی، جامعه نیازمند پشتیبانی نیروها و عناصر آگاه مردمی است که عمیقاً به ایدئولوژی اسلام باور داشته باشند و در مقابل طوفان حوادث پایداری و استقامت داشته باشند؛ این مهم تنها با نهادینه کردن ارزش‌ها، باورها و بینش‌ها که همان ورودی انسان‌ها است و تأثیر مستقیمی بر رفتارهای بیرونی آن‌ها دارد، امکان‌پذیر است.

از آنجایی که سبک زندگی اسلامی دارای نظام منسجم و برنامه‌های قابل‌ارائه در همه ابعاد حیات بشری اعم از فردی، اجتماعی، سیاسی و اقتصادی است و تعادل آن با کنترل ورودی‌ها برقرار می‌شود، تمرکز روی اصلاح رفتار بیرونی، درحالی‌که ورودی‌ها اصلاح نشده‌اند، غلطی مسلم و تلاشی بی‌ثمر خواهد بود؛ چنان‌که امام حسین 7 در روز عاشورا به کوفیانی که به ایشان نامه نوشته بودند و در سپاه دشمن حضور داشتند، فرمود: «شما از دستور من سرپیچی می‌کنید و به سخنانم گوش فرا نمی‌دهید، چراکه شکم‌هایتان از حرام پر شده است و خداوند بر دل‌های شما مهر زده است. وای بر شما!» (بحارالانوار، ج 45، ص 8). نتیجه اینکه «علت» بیرون از آگاهی انسان نیست؛ در درون انسان است. انسان دلیل زندگی خود است و فهم این مسئله دریافت یکی از اصلی‌ترین حقایق است. انسان پیش از اینکه دست به عملی بزند، از آزادی برخوردار است؛ اما پس از انجام کار، خواهی‌نخواهی اثر عمل خود را مشاهده خواهد کرد. انسان یک عامل آزاد است؛ اما وقتی عمل از او سرزد، پیامدهای عملش را درو خواهد کرد.

منابع و مأخذ:

* قرآن کریم

* نهج‌البلاغه

* صحیفه سجادیه.

1) امین، سیده نصرت بیگم (1361). مخزن العرفان در تفسیر قرآن، چ دوم. دوره 15

جلدی. اصفهان: گلبهار.

2) قربان‌پور لقمجانی، امیر؛ (1399). نقد مبانی انسان‌شناختی سبک زندگی در نظریه روان‌شناسی فردنگر آدلر از دیدگاه اسلام. ش 241-263.

3) دولت، محمد علی؛ ولی زاده، محمد جواد؛ (1402). سبک زندگی انسانی بر اساس مبادی فعل انسانی از دیدگاه جوادی آملی، نشریه اسلام و مطالعات اجتماعی ش 41.

- 4) جعفری، حسینعلی، جلوه‌ی اهل خراسان، مؤسسه پژوهشی فرهنگی انقلاب اسلامی، دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت الله العظمی خامنه‌ای، انتشارات انقلاب اسلامی، نسیم انقلاب، تهران - ایران، 1393 ه.ش.
- 5) شه‌گلی، احمد؛ مبادی عمل از دیدگاه فارابی و ملاصدرا؛ (1398)، نشریه آموزه‌ای فلسفه اسلامی، ش 24.
- 6) عبدی و همکاران؛ الگوی تنظیم رغبت بر اساس زهد اسلامی و مقایسه آن با درمان شناختی رفتاری در کاهش اضطراب؛ (1394)؛ مطالعات اسلام و روان‌شناسی ش 17.
- 7) باقری، خسرو (1401). نگاهی دوباره به تربیت اسلامی. چ پنجاه و سوم. ج 1. تهران: انتشارات مدرسه.
- 8) قره‌باغی، حسن؛ جعفری، محمد؛ تحلیل و بررسی دین در دیدگاه اشو؛ (1401)؛ معرفت، ش 296.
- 9) خامنه‌ای، علی، رهبر جمهوری اسلامی ایران، بیانات، (۲۵/۰۱/۱۳۷۱)
- 10) کلینی، محمدبن یعقوب، راشدی، سعید و راشدی، لطیف (1388). ترجمه اصول کافی. 3 ج. قم: اجود.
- 11) خامنه‌ای، علی، رهبر جمهوری اسلامی ایران، بیانات، (۲۳/۰۸/۱۳۹۱).
- 12) عبدی، حمزه؛ پسندیده، عباس؛ غروی، سیدمحمد؛ الگوی نظری تنظیم رغبت بر اساس مفهوم زهد اسلامی (1393) علوم حدیث، سال نوزدهم، شماره سوم.
- 13) نبیان، پروین (1389). محدوده معرفت انسان نسبت به حق تعالی. نشریه حکمت و فلسفه، ۶ (۳)، 151-131.
- 14) نراقی، ملا احمد (1385). معراج السعاده. چ دوم. تهران: ظهور.
- 15) خامنه‌ای، علی، رهبر جمهوری اسلامی ایران، برای حقیقت، مؤسسه پژوهشی فرهنگی انقلاب اسلامی، دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت الله العظمی خامنه‌ای، انتشارات انقلاب اسلامی، نسیم انقلاب، تهران - ایران، 1395 ه.ش.
- 16) خامنه‌ای، علی، رهبر جمهوری اسلامی ایران، بیانات، (۲۲/۰۱/۱۳۶۹)
- 17) حسن‌زاده آملی، حسن (1392). هزار و یک نکته. چ نهم. تهران: بوستان کتاب.
- 18) خامنه‌ای، علی، رهبر جمهوری اسلامی ایران، بیانات، (۱۱/۰۷/۱۳۹۰)
- 19) دستغیب شیرازی، سید عبدالحسین (1396). گناهان کبیره. چ 28. تهران: دفتر انتشارات اسلامی.
- 20) خامنه‌ای، علی، رهبر جمهوری اسلامی ایران، بیانات، (۱۳/۱۲/۱۳۹۷)
- 21) خامنه‌ای، علی، رهبر جمهوری اسلامی ایران، بیانات، (۱۹/۰۲/۱۳۸۶)
- 22) قرشی بنایی، علی‌اکبر؛ (1412ق) لغتنامه. چ ششم. تهران: دارالکتب الاسلامیه.
- 23) احمد بن فارس، (1399). معجم مقاییس اللغة. ج 6. دارالفکر.
- 24) سجادی، جعفر، فرهنگ معارف اسلامی، نشر کومش.
- 25) فیروزآبادی، محمد بن یعقوب، معجم لغت، (1415 ق). چ 1، بیروت-لبنان-دارالکتب العلمیه.
- 26) مصباح یزدی، محمد تقی. بدون تاریخ. خودشناسی برای خودسازی. ج ۱. قم - ایران: مؤسسه در راه حق.

27) کریم‌نیا، محمدمهدی. فریدونی، طاهره. هاشمی‌نیا، سید محمد. انصاری‌مقدم، مجتبی (1400). بررسی انتقادی تفسیر مشهور از آیه «لا إكراه فی الدین». مجله پژوهش و مطالعات علوم اسلامی، ش ۲۵، 98-112.

28) رحیم‌پور ازغدی، حسن (1397). امت اسلامی. تهران: مؤسسه پژوهشی فرهنگی انقلاب اسلامی، دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت‌الله‌العظمی خامنه‌ای، انتشارات انقلاب اسلامی.

29) صدر، سید محمدباقر، اسلام راهبر زندگی، مکتب اسلام، رسالت ما، مترجم: مهدی زندیه. (1394). چ دوم. انتشارات دارالصدر.

30) سلطان‌علی‌شاه، سلطان محمد حیدر، بیان السعاده فی مقامات العباد. (1408). بیروت-لبنان: مؤسسة الأعلمی للطبوعات.

31) علامه حلی، حسن بن یوسف (1409 ق). الألفین. قم: مؤسسة دار الهجرة.

32) خامنه‌ای، علی، رهبر جمهوری اسلامی ایران، بیانات، (۲۷/۰۹/۱۳۷۰)

33) محمدی ری‌شهری، محمد، و شیخی، حمیدرضا. ۱۳۸۹. میزان الحکمة (با ترجمه فارسی). ۱۴ ج. قم ایران: مؤسسه علمی فرهنگی دار الحدیث. سازمان چاپ و نشر.

34) ابن‌عجیبه، احمد، و قرشی رسلان، احمد عبدالله. ۱۴۱۹. البحر المذید فی تفسیر القرآن المجید. ۵ ج. قاهره - مصر: حسن عباس زکی.

35) خمینی، سید روح‌الله (1394). آداب الصلاة. تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره).

36) علامه طباطبائی (1383). تفسیر المیزان. چ نهم. تهران: دفتر انتشارات اسلامی.

37) خامنه‌ای، علی، رهبر جمهوری اسلامی ایران، نهج البلاغه: شرح بخش‌هایی از نهج البلاغه، مؤسسه پژوهشی فرهنگی انقلاب اسلامی، دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت الله العظمی خامنه‌ای، انتشارات انقلاب اسلامی، تهران - ایران، 1398 ه.ش.

38) خامنه‌ای، علی، رهبر جمهوری اسلامی ایران، بیانات، (۱۷/۰۷/۱۳۸۴)

39) پسندیده، عباس؛ زهد و بهداشت روان: بررسی آثار روانشناختی زهد بر سلامت روان در دو موقعیت خوشایند و ناخوشایند و روش ایجاد آن؛ (1388)، نشریه علوم حدیث؛ ش 52.

40) قرآنتی، محسن. بدون تاریخ. فیش‌های تبلیغ. ۶ ج. تهران - ایران: مؤلف.

41) خامنه‌ای، علی، رهبر جمهوری اسلامی ایران، بیانات، (۱۴/۰۸/۱۳۸۷)

42) ابن‌شعبه الحرانی، (1404). تحت العقول. مؤسسة النشر الاسلامی.

43) خمینی، روح‌الله، رهبر انقلاب و بنیان‌گذار جمهوری اسلامی ایران، هندسه‌ی انقلاب، صفحه: ۳۱۴، مؤسسه پژوهشی فرهنگی انقلاب اسلامی، دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت الله العظمی خامنه‌ای، انتشارات انقلاب اسلامی، نهضت نرم‌افزاری، تهران - ایران، 1397 ه.ش.

- 44) ابن میثم، میثم بن علی، عطایی، محمد رضا، شریف الرضی، محمد بن حسین، علی بن ابی طالب (ع)، امام اول، نوایی یحیی زاده، علی اصغر، عارف، محمدصادق، محمدی مقدم، قربانعلی، و روحانی، حبیب الله. ۱۳۷۵. ترجمه شرح نهج البلاغه ابن میثم. ۵ ج. مشهد مقدس ایران: آستان قدس رضوی. بنیاد پژوهشهای اسلامی.
- 45) دمشق، شمس‌الدین باعونی. (۱۴۱۵ ق). جواهر المطالب. قم: مجمع احیاء الثقافه الاسلامیه.
- 46) کلینی، محمد بن یعقوب، راشدی، سعید، و راشدی، لطیف. ۱۳۸۸. ترجمه اصول کافی. ۳ ج. قم: اجود.
- 47) ابن بابویه، محمد بن علی، و حسینی طهرانی، هاشم. ۱۴۱۶. التوحید (للسدوق). ۱ ج. قم ایران: جماعة المدرسين في الحوزة العلمية بقم. مؤسسة النشر الإسلامي.
- 48) راغب اصفهانی، حسین بن محمد، مفردات ألفاظ القرآن، چاپ اول، بیروت، دارالقلم، 1412 ق.
- 49) مطهری، مرتضی. ۱۳۷۸. یادداشت‌های استاد مطهری. ۱۷ ج. تهران ایران: صدرا.
- 50) طیب، مهدی (1387). شراب طهور، تهران: نشر سفینه.
- 51) مجلسی، محمدباقر، (۱۴۰۴ ق). بحارالانوار، مؤسسة الوفاء، بیروت.
- 52) خامنه‌ای، علی، رهبر جمهوری اسلامی ایران، (۱۳۹۹/۰۳/۰۲).

The origin of desire and reluctance in human existence from the perspective of verses and traditions With emphasis on Ayatollah Khamenei's point of view

¹Mahbubeh Sattarian

Abstract:

A person's values, beliefs, insights and external behaviors are his lifestyle, which according to Ayatollah Khamenei is one of the dimensions of progress with the Islamic concept and an important dimension; Correcting and strengthening desire and reluctance is one of the important factors in lifestyle, which is very important in human development. Throughout history, humans have always faced disagreements regarding the necessity of religion, and there are research gaps in the field of reluctance versus the desire to be religious and its roots in human nature. The duality between human freedom and the limitation caused by having a religion is one of the challenging issues. In this article, by examining the concept of willingness and reluctance in the verses of the Quran and hadiths, we have clarified

1. Senior expert in information technology, researcher and founder of RINE Information Technology Company, student of Hazrat Abd al-Azim Hasani (peace be upon him) Higher Education Institute, M64S82@gmail.com

the unknown aspects of this ambiguity, explained the factors affecting human nature, analyzed the issue, and finally presented solutions to increase his willingness to accept religiosity. Investigating this issue is very helpful for clarifying the path of human behavior and reaching the highest goal of human beings; From the spiritual dimension, where the goal of man is salvation, prosperity and success, we should pay attention to the lifestyle; Even if we don't believe in spirituality and spiritual salvation, for a comfortable life, a life with psychological and open moral security, it is important to deal with the lifestyle. Therefore, the problem is a basic problem, the possible benefits of its investigation can lead to achieving unity and saving the public from going astray, and solve the current concerns of the Islamic society in order to solve the disunity between Muslims.

Keywords: desire, reluctance, discretion, choice, compulsion, freedom, will.